

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/ ۶/ ۵  
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۱۲/۲۱

دکتر هوشمند علیزاده<sup>۱</sup>، سیروان لاهورپور<sup>۲</sup>

## شخصیت فضایی - کالبدی هسته تاریخی شهر سنندج

### چکیده

سایت‌های تاریخی مکان‌های ویژه‌ای هستند که با ارزش‌ترین میراث فرهنگی دوره‌های مختلف تاریخی را دربرمی‌گیرند. چنین مکان‌هایی به‌عنوان سرمایه‌ای غیرقابل جایگزین، تبلور سرمایه‌گذاری فکری انسان به‌حساب می‌آیند که در آنها عناصر مختلف فضایی - کالبدی طی فرایندهای اجتماعی - مکانی به‌همدیگر دوخته شده‌اند. علی‌رغم اینکه از چندین دهه گذشته اهمیت چنین محیط‌هایی مورد تأکید قرار گرفته، با وجود این، سایت‌های زیادی به‌ویژه در مقابل بحران مسکن، در حال تخریب و نتیجتاً از دست دادن ویژگی‌های تاریخی خود هستند. چنین روندی، مطالعه مجددی را به منظور شناخت و اندازه‌گیری ویژگی‌های مذکور و ایجاد اطمینان از تداوم کیفیات فضایی - کالبدی آنها ضروری می‌گرداند. در همین چارچوب، مقاله حاضر ویژگی‌های تاریخی بافت مرکزی شهر سنندج را ضمن ملاحظه این سؤال کلیدی مورد توجه قرار می‌دهد که ویژگی‌های تاریخی معرف شخصیت فضایی - کالبدی بافت مرکزی شهر سنندج چیست؟ برای پاسخگویی به سؤال مذکور رویکردی تاریخی - تفسیری برگزیده شده که از طریق بررسی اسناد، مشاهده محیط ساخته شده و بررسی میدانی آن (با استفاده از عکس و ترسیمات تحلیلی) فرایند جمع‌آوری اطلاعات به انجام رسیده است. نتایج حاکی از آن است که ساختار اصلی شهر که از مفهوم شهر - قلعه‌ها (شهر - تپه‌ها) منتج شده، واجد ویژگی‌هایی است که در سایر شهرهای ایرانی به‌ندرت رؤیت می‌شود. چنین ویژگی‌هایی نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی کیفیاتی است که باید نگهداری شده و ارتقاء یابند.

واژه‌های کلیدی: شخصیت، فضایی - کالبدی، سنندج، هسته تاریخی.

۱. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده مهندسی دانشگاه کردستان، استان کردستان، شهر سنندج.  
Email: halizadeh@uok.ac.ir

۲. مربی گروه معماری دانشگاه کردستان، استان کردستان، شهر سنندج.  
Email: s.lahoorpour@uok.ac.ir

## مقدمه

سایت‌های تاریخی مکان‌های ویژه‌ای هستند که نه تنها با ارزش‌ترین میراث فرهنگی تاریخ یک ملت بلکه منابع طبیعی قابل توجهی را نیز در برمی‌گیرند. چنین مکان‌هایی به‌عنوان سرمایه‌ای غیرقابل جایگزین، تبلور سرمایه‌گذاری قرن‌ها دانش انسان به‌حساب می‌آیند که در آنها عناصر مختلف فضایی - کالبدی طی فرایندهای اجتماعی - مکانی به‌همدیگر دوخته شده‌اند. به همین خاطر محیط‌های مذکور «گنجینه تجربیات بشری، ظرف مکانی - زمانی قصورات و موفقیت‌ها» (Rapoport, 1989, 100)، «نمونه‌های قابل توجهی از حل مسایل و مشکلات مکانی، پاسخی کلی به چالش اقلیم و توپوگرافی و تطابق انسان با فراز و نشیب تاریخ سیاسی - اجتماعی ملتی خاص منتج از فرایندهای طولانی‌مدت از سعی و خطا به‌شمار می‌آیند» (Ahmad and Malcolm, 2001, 72). علی‌رغم اینکه از چندین دهه گذشته اهمیت چنین محیط‌هایی مورد تأکید قرار گرفته‌اند، با این وجود سایت‌های زیادی در مقابل بحران مسکن ایجاد شده در کشور در حال تخریب و نتیجتاً از دست دادن جنبه‌های تاریخی خود هستند. چنین روندی، مطالعه مجددی را به منظور شناخت و سنجش ویژگی‌های مذکور و ایجاد اطمینان از تداوم کیفیات فضایی - کالبدی آنها ضروری می‌گرداند. در همین چارچوب، مقاله حاضر جنبه‌های بافت مرکزی شهر سنندج را ضمن مطالعه سئوالات کلیدی زیر مورد توجه قرار می‌دهد:

۱. هسته تاریخی شهر سنندج چگونه شکل گرفته است؟

۲. چه ویژگی‌های تاریخی معرف شخصیت فضایی - کالبدی بافت مرکزی شهر سنندج است؟  
برای پاسخگویی به سئوالات مذکور رویکردی تاریخی - تفسیری برگزیده شده که فرایند آن از طریق بررسی محتوایی اسناد، مشاهده محیط ساخته شده و بررسی میدانی محیط کالبدی (با استفاده از عکس و ترسیمات تحلیلی) به انجام می‌رسد. اطلاعات مورد نیاز در طول سالهای ۱۳۸۲-۱۳۸۵ جمع‌آوری گردیده است.

## پیشینه تاریخی

شهر سنندج به‌عنوان مرکز استان کردستان، شخصیت فضایی - کالبدی ویژه خود را از استقرار در موقعیت میان‌کوهی رشته‌کوه‌های زاگرس (رشته‌کوهی که لبه غربی فلات ایران را محدود می‌نماید) و زمینه فرهنگی ساکنان کرد آن به‌دست آورده است. کوه‌های زاگرس به‌عنوان یگانه پدیده فیزیکی شناخته شده‌ای است که بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری تاریخ، سنت‌ها و فرهنگ مردم منطقه داشته است (Izady, 1992). کوه‌های مذکور همواره مرز استراتژیک جدایی میان دو فلسفه (شرق و غرب) و دو امپراتوری در طول تاریخ بوده است. در زمان شکل‌گیری شهر سنندج، زاگرس مرز دو امپراتوری رقیب بوده: در یک طرف امپراتوری عثمانی به‌عنوان پایگاه مسلمانان سنی‌مذهب شاخه حنفی و در طرف دیگر امپراتوری صفویه که پایگاه مسلمانان شیعه‌مذهب را در برمی‌گرفت. چنین موقعیتی تأثیر بسزایی در شکل‌گیری ساختار شهر - قلعه‌ها در منطقه تحت پوشش کوه‌های زاگرس داشته است. در حد فاصل این دو امپراتوری، اکثریت مردم کردنشین منطقه با حفظ مشترکاتی از هر دو، هویت خود را با تعلق به مسلمانان سنی‌مذهب اما شاخه شافعی آن تعریف کرده‌اند.

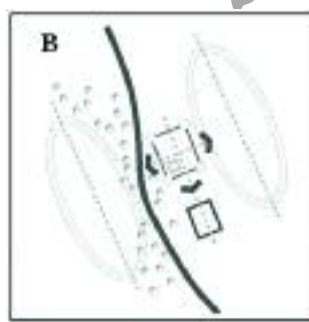
چالش میان این دو امپراتوری و موقعیت نسبتاً مستقل ساختار شهر - قلعه‌ها در مرز این دو (Minorskey, 1943)، بستر ایده انتقال از ساختار مذکور را به شهری جدید - که تا حدودی قابل دسترس برای امپراتوری صفویه باشد - فراهم می‌آورد. [۱] با توجه به این حرکت تاریخی که پیمان

ذهاب نام گرفته، شهر سنندج (سنه دژ) را خانواده اردلانی‌ها با ساختار ویژه‌ای قابل تمایز از سایر شهرهای ایران و در سال ۱۰۱۸ هجری شمسی برابر با ۱۶۳۹ میلادی بنیان‌گذاری کردند. ساختار اصلی شهر ریشه در مفهوم شهر-قلعه‌ها دارد که دربرگیرنده سه لایه فضایی است:

- قلعه شهر بر روی تپه‌ای در مرکز نسبی موقعیت جغرافیایی شهر با دیوارهایی حفاظت شده
- محله‌ی خواص یا شهر میانی که به اشغال خوانین درآمد و همجوار با قلعه واجد دیوار حفاظتی و دارای چهار دروازه بوده است.
- محله‌ی عوام یا شهر بیرونی متشکل از سه محله‌ی اصلی بیرون از دیوار شهر میانی و بدون حفاظ انسان‌ساخت.

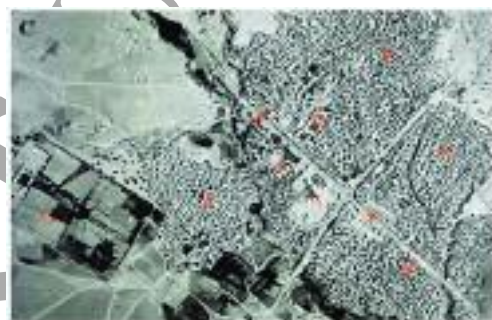
### سیمای کلی هسته تاریخی شهر

با توجه به نقشه اقتباس شده از اسناد نقشه‌ای شهر (نقشه متعلق به روس‌ها به سال ۱۸۵۰ میلادی (مهریار و دیگران، ۱۳۷۷) و عکس هوایی سال ۱۳۳۶)، شهر سنندج در دو بخش مجزا قابل ادراک است. این تفکیک فضایی به دلیل عبور رودخانه دره بیان با جهت غربی- شرقی است به طوری که یکی از محلات اصلی شهر و باغ و عمارت خسروآباد (عمارت تابستانی اردلانی‌ها) را از مابقی شهر جدا نموده است. بخش اصلی شهر که در ضلع شمالی رودخانه قرار گرفته شامل سایر محلات، بازار، مسجد جامع، قلعه حکومتی و دیوارهای شهر میانی است (شکل شماره ۱). از انسجام و نظم کلی حاکم بر استقرار عناصر مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که شهر واجد ساختاری نیمه برنامه‌ریزی شده [۲] است. به طوری که عناصر اصلی با ساختار منظم تعریف شده نشان از ایده برنامه‌ریزی رسمی [۳] و نحوه استقرار و ساختاربندی داخلی محلات در تطابق با شکل ارگانیک توسعه دارد (شکل شماره ۱).



عناصر اصلی شهر:  
 ۱. قلعه سکنده  
 ۲. میدان دولتی یا ارک  
 ۳. مسجد جامع  
 ۴. بازار  
 ۵. محله میان قلعه  
 ۶. محله خسروآباد  
 ۷. محله اعزازخان  
 ۸. محله فخرچیان  
 ۹. باغ و عمارت خسروآباد

شکل شماره ۱:



A- عناصر اصلی و بافت متراکم محلات اصلی شهر سنندج، بر اساس نقشه روس‌ها متعلق به سال ۱۸۵۰ میلادی  
 B- ساختار دوبخشی شهر با توجه به عبور رودخانه دره بیان  
 C- موقعیت عناصر اصلی شهر بر روی عکس هوایی سازمان نقشه‌برداری کشور به تاریخ ۱۳۳۵ شمسی

همچنانکه در بخش زمینه تاریخی توضیح داده شد، این نحوه استقرار و ساختار بندی، ناشی از نحوه شکل گیری شهر منتج از تصمیمی سیاسی بوده که سکونت ثابت را در تقابل با سکونت موقت شهر - قلعه‌ها تحمیل نموده بود. [۴] اعمال دو نحوه ساختار بندی شهری [۵] مفهوم دفاعی شهر را برجسته می‌گرداند به نحوی که بخش‌های اصلی شهر شامل قلعه حکومتی، شهر خواص (خوانین)، بازار و مسجد جامع را شکل و فرم متراکم محلات شهر بیرونی (عوام) حصار بندی کرده است. تصویر چنین ساختاری را می‌توان از توضیحات ریچ (Rich, 1836) به دست آورد. موقعی که ریچ در سال ۱۸۲۰ میلادی وارد شهر سنندج می‌شود و در موقعیت قلعه حکومتی، شهر را نظاره‌گر می‌شود به سه لایه حفاظتی شهر اشاره می‌کند. یعنی اینکه برای شهر عوام نیز دیواری را متصور می‌شود. اما هنگامی که از لایه سوم عبور و شهر را ترک می‌کند، تصور خود را تصحیح نموده و اشاره می‌نماید که لایه سوم فاقد دیوار حفاظتی است. پس از تشریح سیمای کلی هسته تاریخی شهر، حال عناصر اصلی شکل دهنده این هسته را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### قلعه حکومتی

همچنانکه از نام محله میان قلعه برمی‌آید، قلعه در درون خود، محله مذکور بخش مرکزی و هسته اولیه شهر را که شامل مقر قدرت (قلعه حکومتی)، عمارت‌های خوانین به همراه ساختارهای مربوط به نیروهای نظامی است، در برمی‌گیرد (شکل شماره ۱). مقر قدرت یا همان قلعه حکومتی در گوشه جنوب شرقی محله مذکور بر روی بالاترین بخش تپه مشرف به اطراف استقرار یافته و دیوارهای حفاظتی به منظور ایجاد امنیت بیشتر و القاء قدرت آن را محدود کرده‌اند (شکل شماره ۲). اهمیت ساختار قلعه را می‌توان در نوشته‌های کینیر (Kinneir 1818, 144-145)، بازدیدکننده شهر به سال ۱۸۱۰ میلادی مورد توجه قرار داد:

والی در یک کاخ با شکوه زندگی می‌کند که بر روی تپه کوچکی در وسط شهر بنیان نهاد شده است. موقعیت تپه و عظمت کاخ به نحوی است که بر هر مورد دیگری در ایران غیر آن چیزی که در مرکز حکومت دیده‌ام، رجحان دارد.

به استناد گوبه (Gaube, 1979, 22) چنین موقعیتی - قرارگیری قلعه حکومتی بر بالاترین نقطه نسبت به سکونتگاه‌های اطراف - یکی از ویژگی‌های شهرهای اولیه ایران است. از نظر ایزدی (Izady, 1992, 263) این ساختار به عنوان اصل بنیادی ساختار شهر در فرهنگ منطقه (کردستان) به حساب می‌آید که به سایر مناطق و فرهنگ‌ها نیز منتقل شده است.



شکل شماره ۲: مقر قدرت بر روی تپه‌ای واقع در مرکز شهر (مأخذ: سازمان میراث فرهنگی استان کردستان، ۱۳۸۳)

با توجه به تخریب وسیع سایت قلعه، به‌ویژه پس از پایان حکومت اردلانی‌ها در سال ۱۲۴۶ هجری شمسی، جزئیات عناصر شکل‌دهنده ساختار قلعه حکومتی چندان مشخص نبوده و نیازمند بررسی‌های بیشتر باستان‌شناسی است. تنها مأخذ نوشتاری قابل استناد، مشاهدات ریچ است که تا حدودی بعضی از عناصر را روشن می‌سازد. به استناد مشاهدات ریچ (۱۸۳۶)، سایت قلعه حکومتی شامل ساختمان‌های ذیل بوده است: «عمارت خسرویه، تالار دلگشا با چهار ستون در جلو که در زمان خسروخان اردلان در سال ۱۱۵۲ هجری شمسی احداث شده بود، شاه‌نشین در موقعیت پشت به تالار و تالاری جدید و باشکوه بزرگتر از تالار قدیمی که والی (امان... خان اردلان) آن را ساخته بود. تالار مورد نظر تصاویر مختلفی از پادشاهان ایرانی و غیرایرانی را در خود جای داده بود. در طرفین این تالار دو سالن زیبا وجود داشت که آنها را بالاخانه می‌نامیدند. ساختمان‌های دیگری نیز در دست احداث بودند» (Rich, 1836). در مطالعه‌ی اخیر که مهندسین مشاور پارس (پارس، ۱۳۸۳، ۸۴) انجام داده‌اند چنین عنوان می‌شود که: «سایت قلعه از ساختار هندسی مربع برخوردار بوده به‌طوری که میدان مرکزی آن را چهار تالار در امتداد جهات جغرافیایی محصور نموده است.»

با توجه به عملکرد قلعه حکومتی (ارگ) می‌توان اولین فضای عمومی شهر را فضای باز جلو دیوارهای حفاظت شده قلعه متصور شد. میدان مذکور به میدان والی معروف بوده (شکل شماره ۲) که از شکل هندسی مستطیلی برخوردار بوده است. حضور چنین میدانی در مقابل دروازه قلعه حکومتی در تأیید دیدگاه‌های سلطان‌زاده (۱۳۶۵) و حبیبی (۱۳۷۵) و آنچه بررسی‌های تاریخی شهر به دست می‌دهد، بر موقعیت استراتژیک شهر در کوه‌های زاگرس از نظر قرارگیری میان دو امپراتوری بزرگ صفویه و عثمانی صحه می‌گذارد [۶] چنین موقعیتی لزوم وجود میدان مذکور را به‌عنوان مکان نمایش قدرت نظامی و اجرای فرامین حکومتی توجیه‌پذیر می‌نماید.



شکل شماره ۳: نقشه موقعیت میدان والی و عکس‌های موجود از بدنه شمالی در امتداد مسجد جامع و ورودی اصلی قلعه حکومتی (مأخذ عکس‌ها: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳. عکس‌های مذکور در دوره ناصرالدین شاه تهیه شده است)

ART

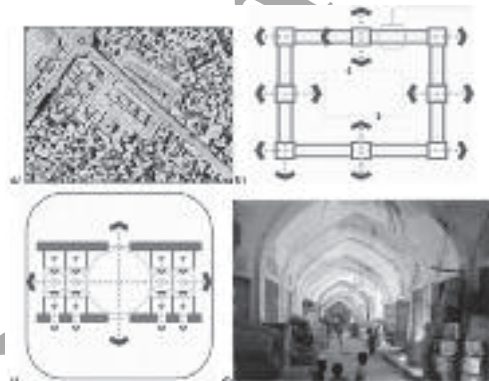
## بازار و میدان علاف خان

با توجه به اینکه دومین میدان شهر توسط ساختار راست‌گوشه بازار شکل گرفته، بررسی آن همراه با مکان عمومی بازار صورت می‌گیرد.

بازار، عنصری مکانی-اجتماعی است که می‌تواند به عنوان فصل مشترک فرهنگ‌های مختلف قلمداد گردد. در ایران، شکل‌گیری بازار را می‌توان از دوره ساسانیان به بعد مورد تفحص قرار داد که در دوره صفویه به فرم و عملکرد تکامل یافته خود به صورت مسیری تداوم یافته در طول بافت ارگانیک شهر دست می‌یابد. امتداد آن در طول بافت شهر عملاً عناصر مهم معماری شهر را به هم مرتبط کرده و در شکل‌گیری و تغذیه محلات نقش قابل توجهی داشته است (سلطان‌زاده، ۱۳۸۰). نمود بارز این نوع بازار را می‌توان در شهر اصفهان ملاحظه کرد، این بازار به‌عنوان یکی از بزرگترین توالی‌های منظر فضایی دنیا شناخته شده است. (Browne, 1976, 260)

غالب متون شهرسازی و معماری، ساختار شکلی بازار را در شهر سنتی اسلامی به صورت شکلی خطی امتداد یافته از دروازه‌ها به سمت مرکز شهر، یعنی جایی که مسجد جامع به‌عنوان عنصری برجسته در جوار میدان اصلی شهر واقع شده، توصیف و تبیین نموده‌اند. در مقابل، بازار شهر سنندج واجد چنین ساختاری نبوده و از ساختار شکلی ویژه‌ای برخوردار است که به‌ندرت می‌توان شبیه آن را در سایر شهرهای اسلامی مشاهده نمود. در این زمینه می‌توان به کار موریس (Morris, 1994, 390) رجوع کرد. موریس سه گونه ساختار شکلی برای بازار شهرهای اسلامی تعریف نموده است: «بازارهای خطی که در دو سمت مسیر اصلی شهر از دروازه تا مسجد ادامه می‌یابد، بازارهای مجتمع که به صورت چندین ردیف بازار خطی در جوار هم عینیت فضایی کالبدی پیدا می‌کند، و بازارهای متمرکز که معمولاً به دور هسته‌ای خاص با اشکال هندسی متفاوت شکل می‌گیرد». هیچکدام از این‌ها با شکل بازار در شهر سنندج مطابقت ندارد. سلطان‌زاده (۱۳۸۰) نیز دو شکل ساختاری را برای بازار مد نظر قرار می‌دهد، یعنی بازار خطی (شکل غالب اکثر شهرهای ایران) و متمرکز؛ اما بازار شهر سنندج را نمی‌توان از نظر عملکردی و شکلی با نوع بازار متمرکز مطابق دانست. از نظر سلطان‌زاده (۹۷، ۱۳۸۰) بازار متمرکز به صورت میدان در دو حالت عینیت فضایی پیدا می‌کند: «نخست، در حالتی که بازاری ادواری یا موقت به صورت بازارگاه و متمرکز در فضایی باز کنار راه یا معبری پدید می‌آید. دوم، در حالتی که یک میدان شهری یا ناحیه‌ای به شکل طراحی شده یا در مواردی به شکل ارگانیک و طراحی نشده به‌عنوان بازار نیز مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت». بازار شهر سنندج از لحاظ شکلی متمرکز راست‌گوشه بوده و به حالت دوم بیشتر شبیه است. تفاوت عمده در نحوه استقرار مغازه‌ها و غرفه‌های فروش است. با توجه به توضیحاتی که سلطان‌زاده (۹۸، ۱۳۸۰) ارائه داده است، در نوع دوم بازارها: «مغازه‌ها و غرفه‌های فروش معمولاً در پیرامون میدان و در کنار فضای باز ساخته شده‌اند یا اینکه دکان‌ها در پشت رواق‌های مشرف به میدان قرار می‌گیرند». در مقابل، در نوع بازار سنندج دکان‌ها به صورت خطی در طرفین معبری عبوری پشت به میدان استقرار یافته و چهار راسته اصلی را تشکیل

دادند (شکل شماره ۴).



شکل شماره ۴: شکل راست‌گوشه بازار  
(مأخذ عکس هوایی سازمان نقشه‌برداری، ۱۳۳۶)

موقعیت استقرار بازار، خارج از دیوار شهر میانی (محلۀ میان قلعه) و داخل در بافت کالبدی یکی از محلات اصلی شهر (محلۀ آغه زمان یا بازار) است. بازار مذکور به همراه سایر عمارت‌های عالیه شهر در دوره شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق.ه) از شاهان صفویه و به دستور سلیمان خان اردلان و به دست معماران برجسته اصفهانی ساخته شده است (زارعی، ۱۳۸۵). کشیدگی شکلی بازار (محور طولی آن) در امتداد شرقی- غربی بوده و فاقد ارتباط مستقیم با راه اصلی فضای- کالبدی شهر [۷] است. بافت ارگانیک و متراکم محلۀ پیرامون آن چندان ارتباط خطی مستقیمی را با راه‌های کاروان‌روی خارج از شهر نشان نمی‌دهد. قابل توجه اینکه برخلاف سایر شهرهای ایرانی بازار با مسجد جامع و میدان ارگ (میدان والی) همجوار نبوده و امتداد آن هم در راستای آنها نیست.

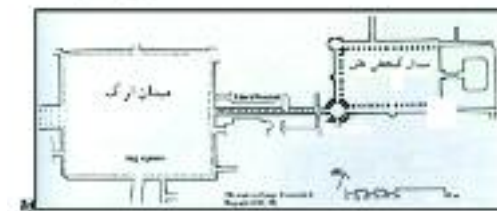
خاستگاه شکل راست‌گوشه بازار و استقرارش در بافت متراکم محلۀ بازار (آغه زمان) را می‌توان به مفاهیم طرح شهر در دوره صفویه نسبت داد. با توجه به بحث حبیبی (۱۳۷۵، ۹۵)، در این دوره قرارگیری دو الگوی ارگانیک و منظم (منطقی) در کنار هم منتج به شکل‌گیری ایده طراحی جدیدی در پرداخت شهرها شده بود. این ایده طراحی تحت عنوان «دوگانگی» [۸] باعث غنای معماری شهری ایرانی شده بود (Oliver, 1983). تبلور فضایی اولیه این مفهوم را می‌توان در اجرا و نحوه قرارگیری میدان‌های امام (نقش جهان) اصفهان و کنجعلی‌خان کرمان در جوار بافت ارگانیک و قدیمی شهر مورد ملاحظه قرار داد.

با توجه به شباهت ساختار شکلی بازار متمرکز سنندج که میدان علاف‌خان را در برگرفته است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که الگوی میدان فوق از میادین ذکر شده در شهرهای اصفهان و کرمان به عاریت گرفته شده باشد. شباهت آن به میدان کنجعلی‌خان کرمان بیشتر است و دلیل آن را باید در اندازه میدان و نحوه استقرارش نسبت به میدان ارگ جست. اختلاف عمده این دو میدان در تداوم بازار از مجموعه آن به سمت میدان ارگ و نحوه قرارگیری دکان‌ها نسبت به میدان است. این تداوم فضایی در میدان علاف‌خان شهر سنندج پایدار نشده و دکان‌ها بر خلاف میدان کنجعلی‌خان کرمان پشت به میدان هستند. دلایل چنین استقرار فضایی را باید نحوه استقرار دیوار شهر، توپوگرافی سایت و اقلیم منطقه برشمرد. همانطوری که قبلاً اشاره شد، دیوار شهر فقط محلۀ خواص (خوانین) را محدود کرده، بازار به عنوان مکانی عمومی خارج از آن واقع شده بود (شکل شماره ۵). وجود این دیوار و قرارگیری میدان ارگ در بر قلعه حکومتی و در داخل این دیوار، امتداد راسته بازار را به سمت میدان ارگ محدود نموده است. جدای از این، قرارگیری میدان ارگ در سطحی بالاتر از بازار و میدان، محدودیت چنین تداومی را تشدید نموده است. سردسیر بودن منطقه نیز به نوبه خود بافتی متراکم و بسته را به شکل ساختاری بازار تحمیل نموده است. بی‌دفاع ماندن بازار (قرارگیری آن خارج از دیوار شهر میانی) را باید به خاطر عملکرد آن و اینکه بازار به عنوان یک فضای عمومی بیشترین تماس را با مردم عوام داشته است، دانست. قاعدتاً در صورتی که بازار در داخل دیوار شهر میانی قرار می‌گرفت، دسترسی آن برای مردم و مبادلات آن با بیرون به راحتی امکان‌پذیر نبود و نتیجتاً تداوم فضایی- کالبدی آن نیز میسر نمی‌شد. با وجود این، ساختار شکلی و فرمی متراکم محلۀ آغه زمان (یا بازار) (شکل شماره ۱) آن را همچون نگینی بدون وجود مسیر مستقیم به بیرون در میان گرفته و با این ساختار، سپری دفاعی را برای آن فراهم آورده است.

با توجه به اینکه ساختار شکلی بازار بعد از خیابان‌های چایپایی دوره رضاخان از محور طولی به دو بخش تقسیم شده و فضای داخلی آن (میدان علاف‌خان) نیز به تبع حضور عنصر خیابان به‌طور بی‌قاعده‌ای توسط خرده‌فروشی‌ها به اشغال درآمده (تصویر شماره ۴a)، اظهار نظر قطعی در مورد

نقش میدان میسر نیست. با وجود این، بر اساس آنچه که ایازی (ایازی، ۱۳۷۱) به نگارش درآورده و نتایج بازدیدهای ساختار فضایی- عملکردی میدان و مقایسه آن با سایر میادین (میادین امام اصفهان و گنجعلی خان کرمان) می‌توان چنین نتیجه گرفت که دور تا دور میدان مغازه‌هایی وجود داشته که به راسته‌های اصلی پشت کرده‌اند و در آنها به تناسب جداره‌ها، فعالیت‌هایی همچون آهنگری،

مسگری، عمده فروشی تره‌بار و ... صورت می‌گرفته است. فضای داخل میدان نیز اغلب در اختیار علافها یعنی کسانی که لباس‌های کهنه و دست‌دوم می‌فروختند، بوده است.

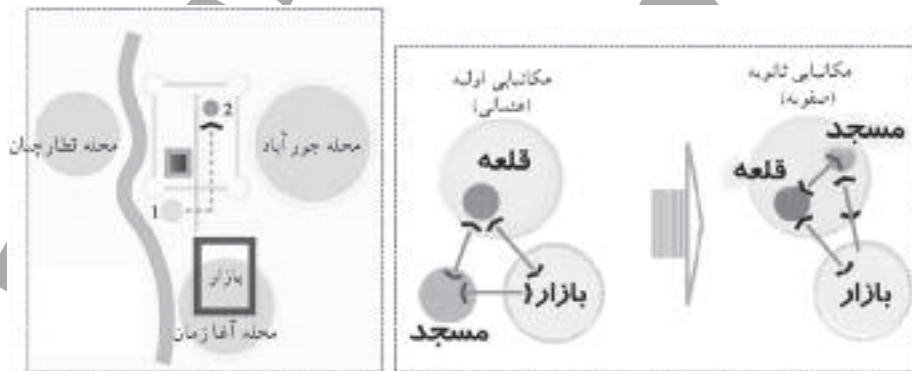


شکل شماره ۵: مقایسه‌ای بین میدان علافخان سنندج و گنجعلی خان کرمان (مأخذ: شکل b توسطی و بنیادی، ۱۳۷۰، ۵۲)

### مسجد جامع

«برای نقش و عملکرد مسجد در شهر، بهتر آن است که جایگاه آن در کلیت شهر مورد بررسی قرار گیرد» (Khidir, 1998, 46).

شهر سنندج نیز همانند سایر شهرهای اسلامی دارای مسجد جامع است. با این تفاوت که موقعیت آن در شهر به دلیل کشمکش‌های سیاسی دچار تغییراتی شده است. مسجد جامع قبلی [۹] که موقعیت آن همجوار با قلعه حکومتی و بازار بوده، تخریب می‌گردد و مسجد جامع کنونی در جایی دورتر از بازار و هسته شهر در محله خواص (خوانین) در زمان امان ... خان اردلان والی وقت سنندج «طی سال‌های ۱۲۲۶ تا ۱۲۳۲ هجری قمری» احداث می‌گردد (شکل شماره ۶) (زارعی، ۱۳۸۷، ۱۲). با توجه به این تغییر موقعیت و قرارگیری در محدوده دیوار شهر میانی، بین هسته شهر (بازار) و مسجد جامع جدایی فضایی ایجاد می‌گردد. این نحوه قرارگیری و ارتباط فضایی در تقابل با شهر اسلامی در مفهوم عام و شهر ایرانی در مفهوم خاص قرار می‌گیرد؛ زیرا در ساختار فضایی این دو گونه

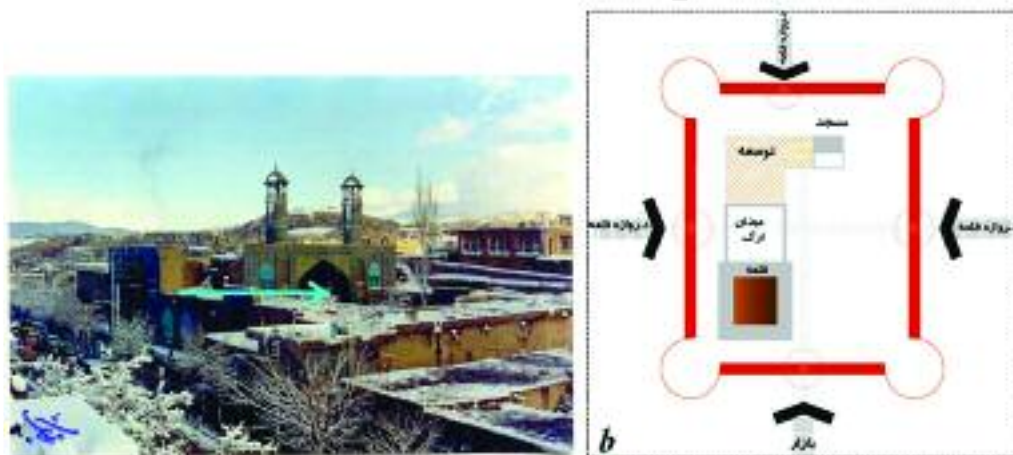


شکل شماره ۶: تغییر موقعیت مسجد جامع به دلیل چالش‌های سیاسی



شهر، مسجد جامع در جوار بازار است یا اینکه تداوم بازار ساختاری فضایی را در ارتباط با مسجد جامع به وجود می‌آورد. در این زمینه موضوع می‌توان به دیدگاه فلامکی (۱۳۷۴، ۱۲۹) رجوع نمود: «مسجد جامع نمی‌تواند از بازار منفک بوده، یا اینکه در فاصله دوری از آن قرار گیرد، زیرا رکن اصلی قدرت مذهبی شهر است».

مسجد جامع کنونی شهر که در سال‌های ۱۲۲۶ تا ۱۲۳۲ هجری قمری (زارعی، ۱۳۸۵) در زمان امانا... خان اردلان ساخته شده، بر موقعیتی نسبتاً مرتفع استقرار یافته که امکان رؤیت بصری آن به‌عنوان نشانه شهری فراهم آمده است (شکل شماره ۷a). به استناد دیدگاه اردلان (Ardalan, 1980, 21)، این امر به معنی تأکید بر ارزش سمبولیک مسجد است. مسجد جامع شهر سنندج نیز همانند سایر مساجد جامع، توسط معابری از چهار طرف محدود شده است. همانطوری که پیرنیا (۱۳۷۴، ۴۶) اظهار می‌دارد، چنین ویژگی‌ای به‌عنوان یک اصل، مسجد را از آلودگی خانه‌های اطراف به دور می‌دارد.



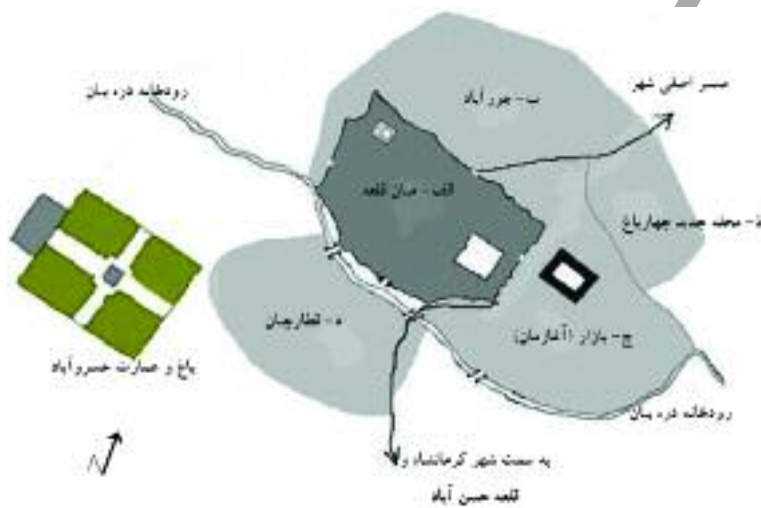
شکل شماره ۷: مسجد جامع کنونی به‌عنوان نشانه اصلی شهر و موقعیت آن در داخل شهر میانی (خوانین (مأخذ عکس: عکاسی تیشک)

ساختار کالبدی مسجد جامع دربرگیرنده سه بخش اصلی است: شبستان در بخش شمال‌غربی، حیاط در بر ایوان جنوب‌شرقی (بزرگترین ایوان) که حجره‌های طلاب آن را از سه ضلع احاطه کرده و همین حجره‌ها که خود بخش سوم مسجد را شکل می‌دهند. با وجود اینکه جهت‌گیری کلی پلان مسجد رو به جنوب شرقی است و ایوان اصلی نیز بر آن تأکید می‌کند، شکل راست‌گوشه (مستطیلی) شبستان به سمت قبله هدایت شده است. البته این موضوع نباید از اهمیت نقش نشانه‌ای مسجد بکاهد؛ زیرا بخش اعظم هسته سنتی شهر در امتداد جهت ایوان اصلی مسجد قرار گرفته است. اکثر تاریخ‌نگاران محلی توضیح می‌دهند که ایوان جنوب‌غربی به منظور ایجاد دومین حیاط مسجد و حجره‌های بیشتر آموزشی و امکان ارتباط آن به میدان ارگ شبیه به سایر شهرهای ایرانی بوده است (سنندجی، ۱۳۷۵؛ مردوخ، ۱۳۷۹) (شکل ۷b). این موضوع را می‌توان از اندازه کوچک ایوان ورودی و نمای جنوب‌شرقی مسجد دریافت؛ زیرا نمای این جبهه نسبت به سایر نماهای جانبی بیشتر القاءکننده نمای داخلی است تا بیرونی.

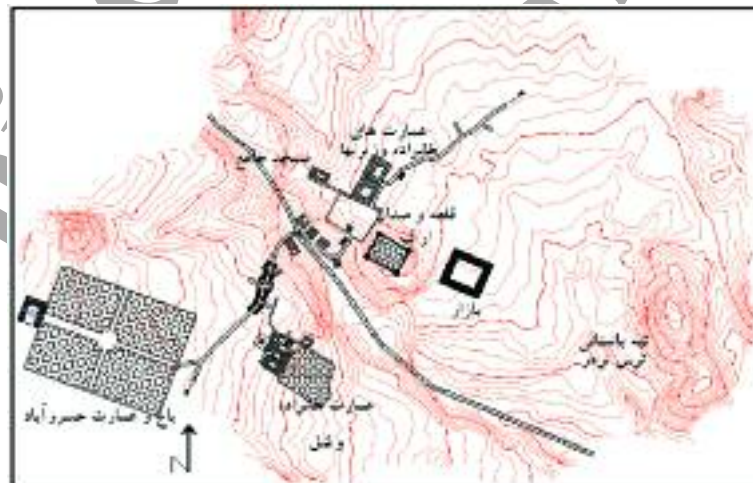
### محلات مسکونی

همچنانکه توضیح داده شده شهر سنندج بر اساس ایده طراحی شهر - قلعه‌ها با حاکمیت و نقش سمبلیک قلعه حکومتی بنیانگذاری و تحول پیدا کرده است. این بدان معنی است که شکل‌گیری محلات

نیز به تبعیت از این مفهوم [۱۰] و با محوریت نقش قلعه بوده است. بنابراین، مسیر اصلی شهر [۱۱] در راستای قلعه حکومتی (میدان ارگ) در موقعیت شهر میانی (خواص / خان‌ها) بوده که از شمال شرقی شروع و پس از عبور از دروازه تپوله (شکل شماره ۳)، شهر میانی و دروازه عبدالعظیم به جنوب شرقی شهر، یعنی جایی که عمارت تابستانی والی اردلان (عمارت خسروآباد) بر شیب دامنه کوه‌های آبیدر واقع شده، ختم می‌شود (شکل شماره ۹). محلات اصلی شهر در طول مسیر مذکور شکل گرفته، تحول پیدا کرده‌اند و بازار عملاً از قرار گرفتن در امتداد آن مستثنی شده است. این در حالی است که در سایر شهرهای ایرانی امتداد خطی بازار این مسیر اصلی را تعریف می‌کند و محلات نیز بالطبع در طول آن و با انشعاب از این مسیر شکل می‌گیرند. این بدان معنی است که در شهر سنندج اهمیت سیاسی - نظامی مکان بر نقش تجاری آن غالب بوده و این مسئله نقش بسزایی در ساختار بندی شهر داشته است، به طوری که ساختار کلی شهر و عناصر اصلی آن (سایت قلعه، بازار و موقعیت هر کدام از محلات) را بنیانگذاران آن از قبل تعریف نموده‌اند.



شکل شماره ۸: محلات اصلی شهر



شکل شماره ۹: مسیر و عناصر اصلی ساختار فضایی-کالبدی شهر

با توجه به ساختار متمرکز قدرت و نقش غالب آن در سازماندهی فضایی-کالبدی شهر، محلات به صورت مجموعه‌ای از سکونتگاه‌های اقماری به دور هسته آن یعنی قلعه حکومتی و شهر میانی،

سازماندهی شده‌اند (شکل شماره ۱۰ و ۸). با توجه به این نحوه استقرار، شهر واجد چهار محله اصلی است: بخش مرکزی را محله خواص (خان‌ها) اشغال نموده که با توجه به وجود عناصری همچون دیوار، قلعه حکومتی و میدان می‌توان آنرا تحت عنوان شهر میانی تعریف نمود. وجود عنصر حصار دفاعی در این بخش از شهر علاوه بر القاء اهمیت شهر میانی از لحاظ دفاعی، می‌تواند انعکاسی از ارزش‌های سمبلیک آن از لحاظ قدرت و شأن و مقام [۱۲] نیز باشد. با توجه به این تعریف، شهر بیرونی دربرگیرنده سه محله باقیمانده می‌شود. محله جورآباد در بخش شمالی شهر میانی که می‌توان به‌عنوان محله خدمه از آن نیز نام برد، محله بازار (آغا زمان) در ضلع شرقی که تجار شهر را در برمی‌گرفت و محله قطارچیان در ضلع جنوبی به‌عنوان محله باربران (کسانی که با نیازهای شهر و به‌ویژه نیازهای بازار سر و کار داشتند و به مناطق مرکزی ایران و تعدادی از شهرهای ترکیه و عراق رفت و آمد می‌کردند). البته در جوار محله آغا زمان (بازار) محله دیگری نیز تحت عنوان محله چهارباغ در دوران امان اله خان والی (۱۲۱۴-۱۲۳۹ ه.ق.) شکل می‌گیرد که به عنوان محله‌ای جدید در مجموعه بافت قدیم شهر شناخته می‌شود. همانطور که از اسم این محله پیداست، سایت آن قبلاً چهارباغ اصلی شهر بوده که واجد محورهای تعریف شده‌ای بوده است. چنین بستری عملاً در شکل‌دهی ساختاری منتظم به محله تأثیرگذار بوده و به نوعی مفهوم «طراحی‌شده» [۱۳] را نیز می‌رساند. مجموعه این محلات به‌ویژه محلات شهر بیرونی، همگام با خواسته‌های طبقه حاکم، نقش سپر سوم دفاعی شهر را داشته است.

### نتیجه‌گیری

ساختار فضایی - کالبدی توصیف شده شهر سنندج تا حدودی حاکی از جنبه‌های تاریخی ویژه‌ای است که در سایر شهرهای ایرانی به‌ندرت قابل رؤیت است. در ساختار تبیین شده، قلعه حکومتی مستقر بر بالای تپه در سازماندهی فضایی شهر نسبت به بازار و مسجد جامع ارجحیت پیدا کرده است. این بدان معنی است که محلات واقع در شهر بیرونی همچون مجموعه‌های مسکونی اقماری، به دور هسته قدرت حلقه زده و بر اساس حرفه‌های مورد نیاز طبقه حاکم و شهری متوسط اندازه تفکیک شده‌اند. این مسئله همچنین بر مسیر اصلی شهر نیز تأثیر گذاشته به‌طوری که امتداد آن به جای بازار در راستای هسته‌های قدرت و حاکمیت است (شکل شماره ۹). با توجه به این سازماندهی فضایی و عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر می‌توان چنین نتیجه گرفت که ساختار کلی شهر و عناصر اصلی‌اش را بنیانگذاران آن از قبل تعریف نموده‌اند. این بدان معنی است که مفهوم «طراحی شده» می‌تواند برای شهر سنندج به کار برده شود که از یک نظر با دیدگاه اکبر هماهنگ است: «معمولاً چنین عنوان می‌شود که عبارت «طراحی شده» فقط در ارتباط با تصمیمی سیاسی به کار برده می‌شود که جهت برپایی سکونتگاهی دائم بر سایتی مشخص اعمال می‌گردد»

(Akbar, 1988 درج شده در Morris, 1994, 381).



شکل شماره ۱۰: سازماندهی اقماری محلات شهر

نتیجه نهایی اینکه، سایت تاریخی شهر سنندج واجد ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که خود نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی کیفیاتی است که باید نگهداری شده و ارتقاء یابند. یافته‌های این تحقیق قاعدتاً می‌تواند مبنایی برای مطالعات بیشتر در زمینه ریشه‌یابی عناصر شکل شهر به‌طور عام و طرح حفاظت بافت قدیم شهر سنندج به‌طور خاص فراهم آورد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص این حرکت تاریخی و ساختار شهر-قلعه‌ها، به مقاله نویسنده (Alizadeh, 2005) مراجعه نمایید.

2. Semi-planned

3. Formal planning

۴. شهر-قلعه‌های دوره حکومت اردلانی‌ها معمولاً به‌صورت فصلی مقرر حکومت را پذیرا می‌شدند، به‌طوری که از چهار قلعه اصلی منطقه: قلعه حسن آباد در تابستان، قلعه مریوان در پاییز، قلعه زلم در زمستان، و قلعه پالنگان در فصل بهار مورد استفاده قرار می‌گرفت (برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به مقاله نویسنده (Alizadeh, 2005)).

5. Planned and unplanned

۶. نگاه کنید به مقاله نویسنده (Alizadeh 2005).

7. Principal route

8. binarism / duality

۹. با توجه به کتاب‌های تاریخی محلی، پاشای بابان به‌عنوان نماینده دربار عثمانی در سال ۱۱۲۴ ه.ق. موفق به فتح سنندج می‌شود (البته در خصوص تاریخ این واقعه اختلافاتی مابین تاریخ‌نگاران محلی وجود دارد). در راستای سیاست‌های دربار عثمانی و به‌منظور تثبیت حضور خود در منطقه، به‌عنوان رقیب اصلی اردلانی‌ها، مسجد و مدرسه‌ای بزرگ در دامنه تپه قلعه حکومتی مشرف به بازار شهر سنندج بر پا می‌کند. در این خصوص، ماه شرف خانم (معروف به مستوره اردلان) می‌نویسد: «خانه پاشای بابان ... در زمینی که آن باغی است نمونه بهشت برین، در جنب عمارت دستگاه و مقر امارت واقع است و به باغ فردوسی موسوم می‌باشد، بنای مدرسه نهاده و در اندک زمانی پاشای بابان به اتمام آن پرداخت و مناره رفیعی در آنجای ساخته که تا زمان ایالت افتخار الولات (امان الله خان) والی آن بنا باقی بوده و به مشاهده مؤلفه نیز رسیده تا اینکه آن امیر با فرهنگ، بنای اغیار را در دیار خود مایه ننگ دانسته بنیادش را بر آب رسانید» (کردستانی، ۱۳۲۵، ۷۴). با توجه به این رویداد و جدالی که همواره میان اردلانی‌ها و بابانی‌های ساکن شهر سلیمانیه (از توابع کردستان عراق) وجود داشته، تحمل سمبلی قوی از حضور رقیب مخالف برای اردلانی‌ها آن هم در جبهه مشرف به بازار و تپه توس نوذر امکان‌پذیر نبوده و آنها با به قدرت رسیدن امان الله خان بزرگ (۱۲۱۴-۱۲۳۹ ه.ق.) آن را تخریب نموده و در مقابل مسجد دارالاحسان (مسجد جامع کنونی) را در موقعیتی دورتر از بازار و قلعه حکومتی بنیان نهادند. همان‌طور که زارعی (۱۳۸۵) اشاره می‌کند، نام مسجد جدید نیز در متون تاریخی مسجد جامع نبوده تا تداعی کننده نام مسجد جامع قبلی نباشد.

10. concept

11. Principal route

12. Status

13. Planned

## فهرست منابع

- پارس، ب (۱۳۸۳) طرح ساماندهی سایت فردوسی سنندج، سازمان مسکن و شهرسازی استان کردستان
- پیرنیا، م (۱۳۷۴) *آشنایی با معماری اسلامی: ساختمانهای درون شهری و برون شهری*، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران
- توسلی، محمود. ناصر، بنیادی (۱۳۷۰) *طراحی فضای شهری ۱*، مرکز مطالعات معماری و شهرسازی، تهران
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵) *از شار تا شهر*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- زارعی، ابراهیم (۱۳۸۵) *مسجد- مدرسه دارالاحسان سنندج*، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان، سنندج
- سلطانزاده، ح. (۱۳۶۵) *مقدمه‌ای بر تاریخ و شهر و شهرنشینی در ایران*، انتشارات امیرکبیر، تهران
- سلطانزاده، ح. (۱۳۸۰) *بازارهای ایرانی*، دفتر مطالعات فرهنگی، تهران
- سنندجی، م. س. (۱۳۷۵) *تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان*، انتشارات امیرکبیر، تهران
- فلامکی، م. (۱۳۷۴) *بازنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- کردستانی، مستوره (ماه شرف خانم) *تاریخ اردلان به کوشش: ناصر آزادپور*
- مردوخ، م. (۱۳۷۹) *تاریخ مردوخ: تاریخ کرد و کردستان*، انتشارات کارنگ، تهران
- مهریار و دیگران (۱۳۷۵) *اسناد تصویری شهرهای ایران*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- Ahmad, K. and Malcolm, P. (2001), "Traditional Settlements, User Participation and 'No Harm' Principle Toward a contemporary participatory process in low-income public housing in Islamic cities" *Traditional Environments in a New Millennium*, H. Turgut and P. Kellett (eds.), Turkey, Istanbul Technology University, pp. 69-74.
- Alizadeh, H. (2005), "The Kurdish city of Sanandaj: An analysis of its formation and historical development until 1930", *Journal of Kurdish Studies*, Vol. V, pp. 103-185.
- Ardalan, N. (1980), "The Visual Language of Symbolic Form: a preliminary study of mosque architecture", *Architecture as Symbol and Self-Identity*, J. G. Katz (ed). Philadelphia, Aga Khan Award for Architecture.
- Browne, K. (1976), "Making of the City: a special issue on Isfahan" *Architectural Review*, No. 951 (V. CLIX), pp. 259-291.
- Gaube, H. (1979), *Iranian Cities*, New York, New York University Press.
- Khidir, O. M. O. (1998), "Bridging between the Contemporary and the Vernacular architecture", *Electronical Dissertation Architecture*, Virginia, Virginia Polytechnic Institute and State University, p. 85.
- Kinneir, S. J. M. (1818), *A Geographical Memoir of the Persian Empire: Journey through Asia Minor, Armenia, and Koordistan in the years 1813 and 1814*, London.
- Izady, M. R. (1992), *A Concise Handbook: the Kurds*, Washington, Philadelphia, London, Crane Russak (Taylor & Francis).
- Minorsky, V. (1943), "Sanandaj", *Encyclopaedia of Islam*, M. Th. Houtsma, A. J. Wensinck, H. A. R. Gibb, W. Heffening and E. Levi-Provencal (eds). London, E. J. Brill, Leyden & Luzac & Co.
- Morris, A. E. J. (1994), *History of Urban Form: before the industrial revolutions*, New York, Longman Scientific & Technical: Wiley.
- Oliver, P. (1983), "Binarism in an Islamic City: Isfahan as an example of geometry and duality", *Islamic Architecture and Urbanism*, A. Germen (ed)., Dammam, King Faisal University, pp. 121-146.
- Rapoport, A. (1989), *On the Attributes of Tradition. Dwellings, Settlements and Tradition: cross-cultural perspectives*. J.-P. Bourdier and N. Alsayyad (eds)., Lanham, University press of America, pp. 77-105.
- Rich, C. J. (1836), *Narrative of a Residence in Koordistan, and on the Site of Ancient Nineveh: with journal of a voyage down the Tigris to Baghdad and an account of a visit to Shirauz and Persepolis*, London, J. Duncan.